

## سازوکارهای ارتقای مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان در آموزش عالی کشاورزی: پژوهش کیفی

مهتاب پورآتشی

استادیار، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی  
mah.pouratashi@gmail.com

### چکیده

اهمیت رشته‌های کشاورزی و نیاز به دانش آموختگانی شایسته و ماهر و همچنین، توجه به اشتغال دانش آموختگان این رشته تحصیلی، مطالعه‌ای ژرف در خصوص مهارت‌های شغلی و سازوکارهای اشتغال‌پذیری دانشجویان را ضروری می‌سازد. بر این اساس و از آنجا که یکی از مهم‌ترین دغدغه و نگرانی‌های دانشجویان رشته کشاورزی بحث اشتغال ایشان است؛ مقاله حاضر با هدف شناسایی سازوکارهای ارتقای مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان در آموزش عالی کشاورزی به رشته تحریر درآمده است. پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است و با دیدمان کیفی انجام شد. مشارکت کنندگان، دانشجویان دکتری رشته کشاورزی بودند و گردآوری داده‌ها با روش مصاحبه صورت گرفت. اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم افزار NVivo تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که سازوکارهای ارتقای مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی در سه مقوله اصلی آموزش، تعاملات، و خدمات دسته‌بندی می‌شود. همچنین، مقوله‌های فرعی شامل محتوای درسی، کیفیت بخشی آموزش، دانش و یادگیری، ارتباطات فردی، ارتباطات سازمانی، مشاوره، فرهنگی، و پشتیبانی بود. براساس یافته‌های به‌دست آمده، جمع‌بندی صورت گرفت و پیشنهادهایی ارائه شد.

کلمات کلیدی: آموزش عالی، اشتغال‌پذیری، دانشجو، کشاورزی، تحلیل محتوا



**Mahtab Pouratashi**

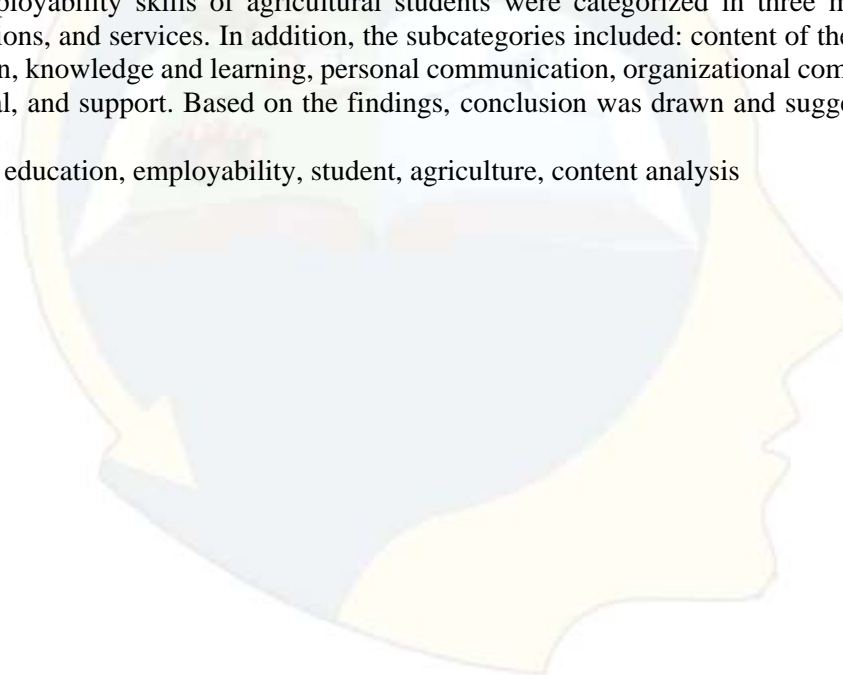
Assistant Professor, Institute for Research and Planning in Higher Education

## **Mechanisms for Improving Employability Skills of Students in Agricultural Higher Education: A Qualitative Research**

### **Abstract**

The importance of agricultural majors, the need for qualified and skilled graduates and paying attention to the employment of graduates of this field, all shows the need for a deep study regarding students employment skills and employability mechanisms. Accordingly and since one of the most important concerns of agricultural students is their employment, this paper aims to identify mechanisms for improving the skills of students in agricultural higher education. This applied research was done with a qualitative approach. Participants were Ph.D. students in agriculture and Interview used for data collection. Data were analyzed using NVivo software. The findings showed that the mechanisms for improving employability skills of agricultural students were categorized in three main groups: education, interactions, and services. In addition, the subcategories included: content of the course, the quality of education, knowledge and learning, personal communication, organizational communication, counseling, cultural, and support. Based on the findings, conclusion was drawn and suggestions were made.

**Keywords:** higher education, employability, student, agriculture, content analysis



### مقدمه

تاکید بر توسعه دانش و شایستگی‌های فردی و آمادگی برای عصر تغییر از مؤلفه‌های جوامع بالنده است (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵) و نظام آموزش عالی به واسطه نقش آموزشی خود نیروی محرکه‌ای برای توسعه اجتماعی-اقتصادی، توسعه سرمایه انسانی، خلق دانش، و ارائه خدمات به گروه‌ها و انجمن‌ها به شمار می‌آید (همان). به عبارت دیگر، با بررسی شاخص‌های توسعه دانایی محور و با تأکید بر زیرساخت‌های آموزشی به ویژه نظام‌های آموزش عالی، می‌توان از آموزش به عنوان مهم‌ترین و موثرترین ابزار جوامع برای مقابله با چالش‌های هزاره سوم یاد کرد (هجرتی، ۱۳۹۵) و توسعه هر جامعه تا حد بسیار وابسته به سطح توسعه کمی و کیفی نظام آموزش عالی آن کشور است و لذا، لازم است تا دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در راستای تقویت برنامه‌های آموزشی و تربیت دانش‌آموختگانی که قادر به حل چالش‌های قرن بیست و یکم باشند، تلاش نمایند.

از سوی دیگر، اشتغال و بیکاری از مهم‌ترین مسائلی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند، زیرا از جمله مهم‌ترین شروط برای رشد و توسعه هر جامعه‌ای ایجاد اشتغال است (براتپور باجگیران و همکاران، ۱۳۹۳) و یکی از اهداف کلان توسعه در کشورهای مختلف، کاهش بیکاری و توسعه اشتغال است. بحران بیکاری تهدیدی برای کل جامعه است؛ به‌ویژه بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی که عواقب غیر قابل جبرانی در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خواهد داشت (Shiri et al., 2012؛ به نقل از خسروی‌پور و کیخواه، ۱۳۹۲). یکی از مواردی که در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور بدان اشاره شده است، موضوع اشتغال است. جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز ویژگی‌هایی خواهد داشت، از جمله: "دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)، با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل". از این رو، یکی از هدف‌های اصلی آموزش، آماده‌سازی فراگیران برای پذیرش مسئولیت‌های شغلی و انجام مناسب و کارآمد مسئولیت‌های برعهده گرفته می‌باشد و این هدف از طریق کسب دانش و مهارت لازم قابل دستیابی است. این در حالی است که آمار مرتبط با اشتغال و بیکاری در کشور حاکی از آن است که جمعیت بیکار در نظام آموزش عالی کشور در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۳ با افزایش فزاینده‌ای روبه‌رو بوده است به گونه‌ای که از ۲۱ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۴۲٫۳ درصد در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۳؛ به نقل از موحدی، ۱۳۹۶). به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های فکری جوانان به ویژه دانشجویان، اشتغال آنان است که تا حد بسیاری نیز به نگرش و علاقه به رشته تحصیلی بستگی دارد (میرک زاده و همکاران، ۱۳۹۵). اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها همواره با نظام آموزش عالی و بازارکار مرتبط است و از شاخص‌های کارایی بیرونی دانشگاه‌ها محسوب می‌شود (شرفی و عباسپور، ۱۳۹۴). به‌طورکلی، امروزه مساله بیکاری کم و بیش در اکثر رشته‌ها و تخصص‌های دانشگاهی مشاهده می‌شود. با این حال، وضعیت بیکاری در بین دانش‌آموختگان کشاورزی نسبت به دیگر رشته‌ها بیشتر است. به‌عبارت دیگر، بخش کشاورزی یکی از بخش‌های پویاست که در رشد و توسعه کشور سهم عمده‌ای دارد. اما این بخش، از حیث توسعه اشتغال، معمولاً بخشی دارای محدودیت ارزیابی می‌شود (جلایی اسفندآبادی و جاودان، ۱۳۸۹). نرخ بیکاری دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی بر اساس بررسی‌های صورت گرفته توسط سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی ۲۵ درصد در سال ۱۳۹۱ گزارش شده است (زلالی و همکاران، ۱۳۹۴). برخی صاحب‌نظران علت بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی را نبود شایستگی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز بازارکار ذکر می‌کنند (موحدی، ۱۳۸۳؛ به نقل از موحدی و همکاران، ۱۳۸۹). در چارچوب تغییرهای پی در پی فرایندهای کاری و تحولات جهانی سازمانی، بیشترین تلاش در جهت حفظ نیروی کار شایسته و ماهر است. دولت‌ها و سیاستگذاران نرخ اشتغال را با سطح مهارت و شایستگی دانش‌آموختگان آموزش عالی ارتباط می‌دهند (ویلیامسون، ۲۰۱۵؛ به نقل از علم بیگی و همکاران، ۱۳۹۵).

بطورکلی، اشتغال دانش‌آموختگان رشته کشاورزی یکی از چالش‌های دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در بخش کشاورزی می‌باشد و مطالعات مختلفی در خصوص اشتغال دانش‌آموختگان و بازدارنده‌های اشتغال صورت گرفته است که در ادامه برخی از نتایج به دست آمده ارائه می‌شود. مطابق با تحقیق شفيعی و فمی (۱۳۸۶)، برخی از عوامل موثر بر نگرش دانشجویان کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش





کشاورزی عبارت از قابلیت تامین نیازهای روانشناختی، پایین بودن جایگاه اقتصادی و اجتماعی مشاغل کشاورزی، مخاطره‌های شغلی، دسترسی نداشتن به اعتبارات و استخدام های دولتی در بخش کشاورزی و ناسازگاری مشاغل کشاورزی برای دختران و زنان است (شفیعی و فعی، ۱۳۸۶). برخی از مهم ترین صلاحیت‌های مورد نیاز دانش آموختگان کشاورزی عبارتند از: مسئولیت پذیری، اخلاق حرفه‌ای، اعتماد به نفس، جدیت و استقامت در کار (علی بیگی و بارانی، ۱۳۹۱). علی بیگی و بارانی (۱۳۸۹) در مطالعه خود، میزان اشتغال پذیری رشته های کشاورزی را در حد متوسط ارزیابی کردند. محققان دریافتند که میزان وجود مهارت‌های آمادگی شغلی، دیدگاه نسبت به دانشکده محل تحصیل و انتظارات تحصیلی بیشترین تاثیر را در میزان اشتغال پذیری رشته های کشاورزی از دیدگاه دانشجویان دارند. به زعم آقاپور و همکاران (۱۳۹۳)، دانشگاه‌ها در سرفصل‌های تحصیلی دانشجویان برنامه‌ای برای آینده شغلی آنان در نظر نگرفته‌اند و سازوکار روشنی که آنان پس از دانش آموختگی بتوانند از دانش فنی خود استفاده کنند، در اختیارشان قرار نداده‌اند. زلالی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی دریافتند که چالش های دانش آموختگان کشاورزی که می‌تواند در بیکاری آنان نقش بسزایی داشته باشد، به چهار عامل گرایش منفی به انجام کار خصوصی، نبود گزینش عقلایی، بار منفی جامعه در تعیین موقعیت‌های اجتماعی و تنگناهای جذب دانش آموختگان دسته‌بندی می‌شود. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که نارسایی‌هایی چون جذب پایین دانش آموختگان کشاورزی در سازمان‌های دولتی، مهاجرت دانش آموختگان روستایی به مناطق شهری و اشتغال دانش آموختگان در مشاغل غیرمرتبط از بحران های پیش روی نظام آموزش کشاورزی در بخش اشتغال است. در تحقیق برآبادی و همکاران (۱۳۸۸)، نداشتن تجربه عملی و آموزش های کاربردی و درپی آن نداشتن اعتماد به نفس برای اشتغال، گرایش به اشتغال در شهرها و انتظارهای غیراصولی در اذهان دانش آموختگان (مانند مدرک گرایی و به دست آوردن درآمد زیاد از مشاغل شهری)، اعتبار پایین رشته‌های کشاورزی، محبوبیت شغل‌های غیرمولد شهری، منزلت پایین رشته های کشاورزی در نزد اجتماع از بازدارنده‌های مهم دانش آموختگان برسر راه اشتغال است. استواری (۱۳۸۲) بیان نمود که آموزش عالی کشاورزی و مراکز کاری مرتبط با بخش کشاورزی با نارسایی‌هایی مانند نداشتن ارتباط کاری نزدیک رو به رو هستند. در جمع‌بندی از یافته های پژوهش های صورت گرفته، از جمله عواملی که بر بیکاری دانش آموختگان کشاورزی اثرگذار می‌باشد را می‌توان موارد زیر بر شمرد: فقدان دانش و مهارت کافی، برنامه‌های درسی غیرمرتبط، قدیمی بودن استانداردهای تدریس و یادگیری، نظری بودن برنامه‌های درسی دانشگاه، منزلت پایین رشته‌های کشاورزی در نزد اجتماع، عدم توانایی در راه اندازی واحدهای اشتغالزا، و نبود ارتباط دانشگاه و بازارکار. بطورکلی، چنانچه امروزه دانش آموختگان به مهارت‌های اشتغال پذیری مجهز نباشند، موفقیت چندان به دست نخواهند آورد. براین اساس و با توجه به اینکه یکی از مهم ترین دغدغه و نگرانی‌های دانشجویان رشته کشاورزی بحث اشتغال ایشان است و از آنجا که از آموزش عالی کشاورزی به عنوان یکی از حوزه‌های اصلی آموزش عالی انتظار می‌رود که نقش بسزایی در تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص بخش کشاورزی ایفا نماید؛ پژوهش حاضر با هدف شناسایی سازوکارهای اشتغال پذیری دانشجویان کشاورزی انجام گرفت.

### ادبیات پژوهش

عامل انسانی مهم‌ترین بخش تحول و توسعه جوامع است و سرمایه گذاری در نیروی انسانی و اعتلای کیفیت نیروی کار یکی از زمینه‌ها و راه‌های اصلی و اساسی افزایش بهره‌وری و تسریع رشد اقتصادی جامعه است (احمدی پور و یوسفی، ۱۳۹۳). یکی از مفاهیمی که در حوزه اشتغال بیان می‌شود، اشتغال پذیری است. تعاریف مختلفی از اشتغال پذیری ارائه شده است. اشتغال پذیری به معنای دانش، مهارت و نگرش‌هایی است که در شروع کار به فرد کمک می‌کند تا نقش موثری در بازارکار ایفا کند (Asonitou, 2015). اشتغال پذیری بدین معنی است که فرد صلاحیت به دست آوردن مهارت های انجام دادن کار خواسته شده را داشته باشد و نه فقط انجام دادن کار به شکل فوری و بدن آموزش های بیشتر - یعنی اگر کاری از وی خواسته شود بتواند مهارت انجام دادن آن را با آموزش بیشتر کسب کند (Cox & King, 2006)؛ به نقل از آقاپور و همکاران، (۱۳۹۳). در تعریف دیگر، اشتغال پذیری عبارت از توانایی دانش آموختگان برای به دست آوردن شغلی رضایت بخش (Harvey, 2001). خزانه داری دولت انگلستان (۱۹۹۷) اشتغال پذیری را به معنای توسعه مهارت ها، قابلیت ها و توانایی سازگاری نیروی کار با محیط کار، تحولات فناوری و دستیابی به اشتغال پایدار در دوران زندگی تعریف کرده است (انتظاری،

۱۳۹۵). اشتغال پذیری از یک یادگیری پیچیده سرچشمه می گیرد و زمینه وسیعی از مهارت های کانونی و اساسی را تشکیل می دهد (علم بیگی و همکاران، ۱۳۹۵). برخی صاحب نظران اشتغال پذیری را هویت افراد و آن را موضوعی نوظهور می دانند که با تجربه های واقعی فرد از بازار کار شکل می گیرد (Holmes, 2013). اشتغال پذیری فرصتی برای کسب مهارت های ضروری اشتغال، حفظ و ارتقای بهره وری کار تلقی می شود (Sermsuk et al., 2014).

Hillage & Pollard (۱۹۹۹)، قابلیت اشتغال را به عنوان توانایی فرد برای بدست آوردن، حفظ شغل، تغییر شغل در همان سازمان و دستیابی به شغل جدید در صورت نیاز، بیان کردند. این تعریف هم افراد بیکاری که جویای کار هستند و هم افراد شاغلی که به دنبال شغل جدید یا ارتقای موقعیت هستند را شامل می شود. Fugate et al. (۲۰۰۴) قابلیت اشتغال پذیری را مجموعه ای از مفاهیم و سازه های فردمحور تعریف کرده اند که به کارکنان کمک می کند تا به طور کارآمد با تغییرات کاری در اقتصاد امروزی انطباق یابند. طبق نظر آنها، قابلیت استخدام یک مفهوم روانشناختی و اجتماعی است که در برگیرنده ویژگی هایی است که رفتار انطباقی را پرورش داده و تعامل کاری افراد را بهبود و ارتقا می بخشد. Van der Heijde & Van der Heijde (۲۰۰۶) رویکرد شایستگی محور را برای قابلیت اشتغال بیان کردند. شایستگی از دیدگاه آنان مجموعه ای قابل مشاهده از ابعاد عملکرد یعنی دانش فردی، مهارت ها، نگرش ها و رفتارهاست. در واقع آنها شایستگی را در سطح فردی مد نظر قرار دادند و ابعاد زیر را برای قابلیت اشتغال در نظر گرفتند: (الف) پیش بینی و بهینه سازی (ب) انعطاف پذیری شخصی (ج) حس سازمانی (د) تعادل و توازن (ه) تخصص حرفه ای.

به زعم DeGrip et al. (۱۹۹۹) قابلیت اشتغال دو بعد دارد: (الف) اشتیاق: تمایل افراد به درگیری و مشارکت در فعالیت هایی که آنها را برای بازار کار جذاب نگه دارد. (ب) ظرفیت: قدرتی که موقعیت یک فرد در بازار کار را توسعه می دهد (زاهدی و حسن پور، ۱۳۸۸). Heijke et al. (۲۰۰۲) انواع قابلیت های اشتغال را براساس روش کسب به سه دسته تقسیم کردند که عبارتند از (الف) قابلیت هایی که از طریق تحصیل کسب می شود و بطور مستقیم در کار مورد استفاده قرار می گیرد (ب) قابلیت هایی که از طریق تحصیل کسب می شود و برای کسب قابلیت های بیشتر در فرایند کار مورد استفاده قرار می گیرد (ج) قابلیت هایی که در زمینه کار از طریق یادگیری به وسیله انجام یا آموزش ضمن خدمت کسب می شود (انتظاری، ۱۳۹۵). تیجسن (۱۹۹۸؛ به نقل از زاهدی و زکی زاده، ۱۳۹۳) تعاریف موجود قابلیت اشتغال پذیری را در سه گروه تعاریف محوری، وسیع، و جامع و کامل دسته بندی کرده است. تعاریف محوری از قابلیت اشتغال پذیری، تمام فرصت های فردی برای موفقیت در مشاغل متنوع در بازار کار را در بر می گیرد. تعاریف وسیع قابلیت اشتغال پذیری، علاوه بر ظرفیت و اشتیاق به موفقیت در مشاغل متنوع، توانایی یادگیری را نیز در بر می گیرد. در تعاریف جامع و کامل، عوامل زمینه ای و شرایط اثرگذار نیز به تعاریف قبلی اضافه می شود.

### روش تحقیق

همانطور که در مقدمه تحقیق اشاره شد، پژوهش حاضر با هدف شناسایی سازوکارهای ارتقای مهارت های اشتغال پذیری دانشجویان کشاورزی انجام گرفت. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است و با دیدمان کیفی انجام شده است. گردآوری داده ها با روش مصاحبه صورت گرفت. نمونه پژوهش - که در پژوهش های کیفی مشارکت کننده نامیده می شوند - را دانشجویان دکتری رشته کشاورزی در دانشگاه تهران تشکیل دادند. با توجه به این که در پژوهش از رویکرد کیفی استفاده شد، نمی توان از ابتدا حجم ثابتی برای مشارکت کنندگان تعریف کرد و هنگامی پژوهشگر به این نتیجه می رسد که مصاحبه ها و جمع آوری داده کافی است که احساس کند داده ها تکراری شده اند و به عبارت دیگر به نقطه اشباع رسیده است و جمع آوری داده را تا این مرحله ادامه می دهد. با توجه به این موضوع، با ۲۱ دانشجوی دکتری مصاحبه شد. قبل از شروع مصاحبه، اطلاعات مورد نیاز به مشارکت کننده ارائه شد و در حین انجام مصاحبه نیز متناسب با پاسخ های مشارکت کنندگان سعی شد با طرح سوال های عمیق تر، اطلاعات کافی جمع آوری گردد.



برای پاسخ به سوال پژوهش و دستیابی به مولفه‌های مورد نیاز برای ارتقای مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان روش تحلیل محتوا استفاده شد. آنچه در فرایند تحلیل داده‌ها پس از گردآوری داده‌ها صورت می‌گیرد، فرایندی است که کدگذاری نام دارد. کدگذاری باز فرایند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شود. لذا، پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، جهت کدگذاری داده، متن مصاحبه‌ها چندین بار مورد مطالعه قرار گرفت و کدها در قالب کلمه‌ها و مفاهیم مشخص شدند. به منظور تحلیل و بررسی اطلاعات گردآوری شده از نرم افزار NVivo که برای تحلیل داده‌های کمی استفاده می‌شود، به‌کار گرفته شد.

#### یافته‌ها

همانطور که پیشتر بیان شد، به‌منظور بررسی سازوکارهای اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی، نظرات و دیدگاه دانشجویان دکتری گردآوری شد. از جمله راهکارهایی که توسط چند تن از مصاحبه‌شوندگان بیان شد، عبارت بودند از: بازبینی و به‌روز رسانی محتوای دروس، انطباق دروس دانشگاهی با نیازهای شغلی، برگزاری سمینار و نشست علمی با موضوعات مرتبط با کسب و کار. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان نمود که «بسیاری از دروسی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود مربوط به حدود شاید ده یا پانزده سال گذشته باشد و معمولاً هم توسط یک استاد و بصورت ثابت تدریس می‌شود. استاد هر ترم همان مطالب را به دانشجویان تدریس می‌کند و هیچ بازنگری در دروس ندارد. ولی الان پیشرفت‌هایی در حوزه کشاورزی شده و نیاز است که دانشجویان با پیشرفت‌ها و اطلاعات جدید و به‌روز آشنا بشوند. اگر دانشجوی رشته ماشین‌آلات کشاورزی با پیشرفت‌های رشته آشنا نباشد و همان تئوری‌ها و مطالب قدیمی را آموزش ببیند، چطور می‌تواند در آینده شغلی‌اش موفق باشد؟ در مورد رشته‌های مختلف کشاورزی مثل زراعت و آبیاری و دیگر رشته‌ها هم وضعیت به همین صورت است و به نظر می‌رسد که مهم‌ترین راهکار باید تمرکز بر بازبینی دروس و محتوای دروس باشد». از نظر چند تن از مصاحبه‌شوندگان، لازم است تا دروس میان‌رشته‌ای تدوین شود و دروس دانشگاهی با رویکرد میان‌رشته‌ای بازبینی و اصلاح گردد. از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان «اشتغال و مسایل مرتبط با بازارکار تک بعدی نیست و چون با بازارکار رقابتی و پیچیده روبرو هستیم، لازم است تا دانشجویان و فارغ‌التحصیلان و نیروی کار دانش و مهارت‌های چندگانه و جامعی داشته باشند و اگر در دانشگاه‌ها به موضوع میان‌رشته‌ای توجه شود، گپ بین علوم مختلف از بین می‌رود. این موضوع سبب می‌شود که مسایل را از جنبه‌های مختلف ببینند و در حل مساله موفق‌تر عمل کنند». برقراری ارتباط علمی بین گروه‌های آموزشی از دیگر راهکارهای بیان شده بود. یکی از مشارکت‌کنندگان چنین بیان کرد «دانشجویی که در گرایش آبیاری تحصیل کرده زیاد به اطلاعات زراعت آشنا نیست و دانشجوی زراعت هم ممکن است دانش چندانی نسبت به مباحث تخصصی آبیاری نداشته باشد. دانشجوی اقتصاد کشاورزی بر موضوعات اقتصادی متمرکز است و نسبت به گرایش‌های دیگر دید زیادی ندارد. علتش این است که گروه‌های آموزشی به صورت جدا فعالیت می‌کنند. در صورتی که اگر کشاورزی را به عنوان یک کل در نظر بگیریم دانشجوی کشاورزی باید دانش مناسبی از رشته‌های دیگر هم داشته باشد. گذراندن دو واحد آبیاری عمومی یا دو واحد زراعت و باغبانی کافی نیست. بنظر گروه‌های آموزشی باید بیشتر با هم ارتباط علمی داشته باشند و با برگزاری دروس فوق برنامه و تخصصی این فرصت را فراهم کنند که دانشجویان علاقمند سطح دانش خود در گرایش‌های مختلف را بیشتر کنند».

یکی دیگر از مواردی که به کرات توسط مشارکت‌کنندگان بیان شد، توجه به ارتقای روحیه کار تیمی دانشجویان بود. یکی از مشارکت‌کنندگان چنین بیان نمود: «... بهتر است تا استادان از روش‌های تدریس با تاکید بر یادگیرنده و کار تیمی استفاده کنند تا دانشجویان را بطور مستقیم درگیر فضای متفاوت یادگیری نمایند. دانشگاه‌ها باید روحیه و رفتار کار تیمی را در دانشجویان پرورش دهند تا دانشجو پس از اینکه وارد بازارکار می‌شود از حالت انفرادی خارج شود و بتواند در ارتباط با همکاران خود موفق عمل کند». از دیدگاه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان «آموزش باید از حالت سنتی و روش‌های تدریس کسل‌کننده خارج شود و روش‌هایی مورد استفاده قرار گیرد که مشارکت را در دانشجویان افزایش داده و مهارت‌های حل مساله و تبادل افکار را تقویت کند». تلفیق واحدهای درسی کارآفرینی و خوداشتغالی در رشته‌های کشاورزی از دیگر راهکارهای اشاره شده توسط مشارکت‌کنندگان بود. از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان «....



با توجه به شرایط بازارکاری که فارغ التحصیلان با آن مواجه هستند، دیگر نباید منتظر شغل های اداری و دولتی بود و باید دانشجویان از زمان تحصیل به فکر کارآفرینی باشند؛ همانطور که زیاد هم بحث از کارآفرینی می شود. دانشگاه ها باید برنامه درسی را مطابق با نیازهای کارآفرینی هماهنگ کنند. استادان به هنگام تدریس به کارآفرینی و ویژگی های کارآفرینی توجه کنند و چنین مباحثی را در دروس بگنجانند. دانشجویان باید قادر به حل مساله و تجزیه و تحلیل خلاقانه مسایل باشند و چه موقعیتی بهتر از این که بتوانند به هنگام تحصیل در دانشگاه این مهارت ها را در خود پرورش دهند». کارآموزی در مناطق روستایی و مراکز کشاورزی نیز به دفعات توسط مشارکت کنندگان بیان شد. یکی از مشارکت کنندگان این چنین بیان کرد «یکی از مشکلاتی که برای دانشجویان در حوزه شغلی وجود دارد کم تجربه بودن و نداشتن دانش و مهارت کافی شغلی است. دانشجویان دانشگاه بیشتر دروس تئوری و چند واحد آزمایشگاه را می گذرانند و از نظر مهارت عملی ضعیف هستند. دانشجویان با محیط های واقعی کار نا آشنا هستند و نمی دانند که چه انتظاری از آنها در مورد شغل حوزه کشاورزی وجود دارد. دانشجویی که در دوران تحصیل به محیط روستا نرفته و با شرایط روستا آشنا نیست، نمی تواند در روستا و با روستاییان کار کنند. البته این مساله هم هست که خیلی از دانشجویان انتظار کارهای دولتی و پشت میز نشینی دارند و اصلا به محیط روستا و کار کشاورزی فکر نمی کنند. اگر استادان، در طول ترم دانشجویان را به محیط روستا و یا مراکز مرتبط با کشاورزی ببرند، انگیزه برای کارهای کشاورزی نیز تقویت می شود. بهتر است که به دروس و فعالیت های عملی و در محیط واقعی کار توجه بیشتری شود و دانشجویان ملزم شوند که در طول هر ترم هفته هایی را بطور مستقیم با محیط کاری درگیر شوند». از نظر یکی دیگر از مشارکت کنندگان «شرکت هایی که در حوزه کشاورزی فعالیت می کنند مراکز خیلی مفیدی برای ارتقای دانش و مهارت کاری هستند. دانشجویان می توانند با اعضای شرکت ها که ممکن است از همکلاسان و دوستان سال های بالاتر خود باشند، ارتباط برقرار کنند و ساعت هایی را به عنوان کارآموزی در این شرکت ها فعالیت کنند. این کارآموزی می تواند به صورت رایگان باشد و فرد در ازای فعالیتی که انجام می دهد توقع حق الزحمه نداشته باشد. کارآموزی باعث می شود تا دانشجو از نزدیک با شرایط کار آشنا شود و هماهنگی بین دروسی که گذرانده با شرایط محیط کار را بسنجد. این کمک می کند تا خود را محک بزند و اگر حس کرد که نیاز به دانش و مهارت بیشتری دارد به فراگیری و ارتقای مهارت و دانش در حین تحصیل دانشگاهی بپردازد و خود را برای محیط کار آماده کند. این همکاری ها حتی باعث می شود که فرد با افراد دیگر و موفق که در حوزه کشاورزی فعالیت می کنند نیز آشنا شود و سطح ارتباطات فردی را افزایش می دهد و شاید یک موقعیت مناسب شغلی برای فرد نیز ایجاد کند».

جدول (۱) نتایج مربوط به کد گذاری باز و انتخابی را نشان می دهد. همانطور که در جدول مشاهده می شود، سازوکارهای کلیدی مستخرج از مصاحبه ها را می توان در هشت مقوله دسته بندی نمود که عبارتند از: محتوای درسی، کیفیت بخشی آموزش، دانش و یادگیری، ارتباطات فردی، ارتباطات سازمانی، مشاوره، فرهنگی، و پشتیبانی. در مرحله بعد، لازم است تا کدهای انتخابی مورد بررسی قرار گیرد و مقوله های اصلی مشخص شوند.

جدول ۱- نتایج مربوط به کدهای باز و انتخابی

مقوله (کد انتخابی)	کد باز
محتوای درسی	بازبینی و به روز رسانی محتوای دروس، انطباق دروس دانشگاهی با نیازهای شغلی، تلفیق واحدهای درسی کارآفرینی و خوداشتغالی در تمام رشته های کشاورزی، تدوین برنامه آموزشی ارتقای مهارت علمی
کیفیت بخشی آموزش	توجه به دروس مهارتی و عملی بجای تاکید بر دروس نظری، توجه به کیفیت آموزش بجای کمیت صرف، توجه به آموزش های میان رشته ای و چند رشته ای، ایجاد پیوند بین آموزش و پژوهش، دعوت از صاحبان کسب و کارهای موفق کشاورزی برای سخنرانی و تدریس در دانشگاه
مشاوره	ارایه خدمات مشاوره ای در حوزه کارآفرینی و کسب و کار، خدمات رسانی مناسب مشاوره شغلی و تحصیلی در دانشگاه، آشناسازی دانشجویان با فرصت های شغلی از طریق گروه آموزشی

جدول ۱- نتایج مربوط به کدهای باز و انتخابی

مقوله (کد انتخابی)	کد باز
فرهنگی	برگزاری سخنرانی و نشست الهام بخش با دعوت از دانش آموختگان موفق، برگزاری مسابقات و جشنواره های مرتبط با دستاوردهای دانشجویی، بهبود فضای حاکم بر گروه های آموزشی،
ارتباطات فردی	فراهم آوردن مجرای برای شبکه سازی دانشجویان با جامعه کارآفرینان، ارتقای روحیه کار تیمی و وجود فعالیت های تیمی در کلاس درس، روابط متقابل و بدون تبعیض با دانشجویان
ارتباطات سازمانی	برقراری ارتباط علمی بین گروه های آموزشی، ایجاد ارتباط و همکاری بین دانشگاه و مراکز مرتبط با کشاورزی، جابجایی دانشجو در قالب فرصت مطالعاتی، برگزاری اردوی علمی و بازدید از سازمان ها و مراکز کشاورزی
دانش و یادگیری	برگزاری سمینار و نشست علمی با موضوعات مرتبط با کسب و کار، ارائه آموزش های فوق برنامه مرتبط با اشتغال، کارآموزی در مناطق روستایی و یا مراکز کشاورزی، توجه ویژه به درس کارآفرینی مرتبط با رشته تخصصی
پشتیبانی	حمایت از عضویت دانشجویان در انجمن های علمی، ایجاد فرصت های شغلی برای دانشجویان در دانشگاه

منبع: یافته های تحقیق

پس از بررسی کدهای باز و کدهای انتخابی، در مرحله بعد کدها مجدداً بررسی شدند و مقوله های اصلی استخراج شد. با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق، مدل نهایی متشکل از مقوله های اصلی و مقوله های فرعی به صورت شکل (۱) قابل ترسیم است. همانطور که مشاهده می شود این مدل دارای سه عامل (مقوله اصلی) شامل: آموزش، تعاملات، و خدمات و هشت مقوله فرعی: محتوای درسی، کیفیت بخشی آموزش، دانش و یادگیری، ارتباطات فردی، ارتباطات سازمانی، مشاوره، فرهنگی، و پشتیبانی است. مقوله آموزش شامل سه مقوله فرعی محتوای درسی، کیفیت بخشی آموزش، و دانش و یادگیری است. مقوله یادگیری شامل دو مقوله ارتباطات فردی و ارتباطات سازمانی است. مقوله خدمات شامل سه مقوله پشتیبانی، مشاوره، و اشتغال پذیری است. مقوله تعاملات شامل دو مقوله ارتباطات فردی و ارتباطات سازمانی است.



شکل ۱ - مدل نهایی پژوهش

### نتیجه گیری و پیشنهادها

توجه به اشتغال دانش آموختگان رشته های کشاورزی از موضوعات مهم است و باید تلاش شود دانشجویان این رشته ها برای زمینه های کاری خود ماهر تربیت شوند. دانشجویان کشاورزی برای آماده شدن برای کار در رشته تخصصی خود نیاز به کسب و بهره مندی از مجموعه ای از شایستگی ها، مهارت ها، و توانمندی های گوناگون دارند. این مورد توسط Molla & Cuthbert (۲۰۱۵) نیز بیان شده است.



به زعم ایشان، جذب دانش آموختگان دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی در بازارکار منوط به داشتن قابلیت‌هایی است که بخشی از آنها در دوران تحصیل کسب می‌شود. براین اساس، برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های دانشگاهی باید به گونه‌ای طراحی شود که مهارت‌های اشتغال را در دانشجویان ایجاد کند و ارتقا بخشد و به عبارت دیگر، لازم است تا دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشاورزی فرایندی را طی کند که دانش آموختگانش از افراد هم‌رده شان متمایز شوند و در فرایند رقابت شغلی موفق باشند. لذا، از دانشگاه‌ها انتظار می‌رود که دانشجویانی پرورش بدهند که بتوانند پس از دانش‌آموختگی، متناسب با تغییرات در علوم و فناوری و انتظارات شغلی، در حوزه شغلی خود موفق عمل نمایند. در تحقیق حاضر، با بررسی و کدگذاری و مقوله بندی مصاحبه‌های صورت گرفته، سازوکارهای اشتغال پذیری دانشجویان کشاورزی در ۳ مقوله اصلی و ۸ مقوله فرعی طبقه بندی گردید. مقوله های اصلی عبارت بودند از آموزش، تعاملات، و خدمات.

همانطور که بیان شد، جذب دانش آموختگان تا حد بسیاری به داشتن مهارت و توانایی‌های مورد نیاز بازارکار وابسته است و به نظر می‌رسد عدم تناسب بین فرایندهای آموزشی و دروسی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود با مهارت‌های مورد نیاز بازار کار، عامل مهمی در موفق نبودن دانش آموختگان در اشتغال است. تقریباً اکثر مشارکت کنندگان تحقیق به بازمینی محتوای دروس و به روزسانی و تطبیق با نیازهای شغلی و بازارکار اشاره کردند و همچنین، برخی از مشارکت کنندگان به اهمیت توجه به دروس میان رشته‌ای و چندرشته‌ای اشاره کردند. از دیگر سازوکارهایی که در تحقیق بدان اشاره شد برقراری ارتباط علمی بین گروه‌های آموزشی و ایجاد ارتباط و همکاری بین دانشگاه و مراکز مرتبط با کشاورزی بود که این مورد اهمیت تعاملات و همکاری‌ها در ارتقای مهارت‌های اشتغال پذیری دانشجویان را نشان می‌دهد. در خصوص نتایج سایر پژوهش‌ها، موحدی و همکاران (۱۳۸۹) بیان نمودند که برقراری ارتباط تنگاتنگ بین انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی و شرکت‌های دانش بنیان فعال در بازار کار، اصلاح و تغییر برنامه‌های درسی کشاورزی در دانشگاه به طور منظم و متناسب با نیاز مراکز کاری، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید مرتبط با کشاورزی در بخش‌های غیر دولتی اعم از خصوصی، تعاونی و سازمان‌های غیر دولتی راهکارهایی برای بهبود وضعیت اشتغال دانش آموختگان کشاورزی است.

براساس یافته‌های به دست آمده از پژوهش و جهت ارتقای مهارت‌های اشتغال پذیری دانشجویان کشاورزی، لازم است تا به هر سه مورد آموزش، تعاملات، و خدمات توجه ویژه‌ای مبذول شود. برقراری ارتباط علمی میان گروه مختلف آموزشی از راهکارهایی است که گروه‌های آموزشی را از حالت جزیره‌ای خارج می‌کند و ارتباطات ارزشمندی میان اعضای دانشگاه ایجاد می‌کند. همچنین، با برقراری ارتباط میان دانشگاه با سازمان‌ها و مراکز اجرایی، دانشجویان از موقعیت‌های شغلی مرتبط با رشته تحصیلی خود بهتر آگاه می‌شوند و ضمن این که می‌توانند در حین تحصیل از فرصت کارآموزی در مراکز مرتبط بهره‌مند شوند، دانش و مهارت‌های مورد نیاز شغلی را ارتقا می‌بخشند که در نتیجه سبب می‌شود تا در شغل آتی خود نیز موفق عمل نمایند. از دیگر سازوکارهایی که می‌توان براساس نتایج مطالعه پیشنهاد کرد ایجاد فرصت‌های شغلی در دانشگاه برای دانشجویان است که این امر کمک می‌کند تا دانشجویان هم‌زمان با تحصیل، مهارت‌های اشتغال پذیری را نیز فرا بگیرند. در نهایت، براساس نتایج مطالعه و اهمیت تجهیز دانشجویان به مهارت‌های اشتغال پذیری پیشنهاد می‌شود تا ضمن سنجش سطح مهارت‌های اشتغال پذیری دانشجویان کشاورزی، این موضوع در مرکز توجه و اقدام دانشگاه‌ها قرار گیرد.

## منابع

احمدی پور، ل. و یوسفی، ق. (۱۳۹۳). مهارت محوری در بکارگیری و استخدام نیروی کار. کار و جامعه، شماره ۱۷۲، ص ۷۸-۷۲.  
استواری، م. (۱۳۸۳). فناوری اطلاعات و مساله اشتغال دانش آموختگان کشاورزی در ایران. مجموعه مقالات همایش نقش فناوری اطلاعات در اشتغال. تهران: انتشارات علم و صنعت.

- انتظاری، ی. (۱۳۹۵). آموزش عالی و قابلیت های اشتغال فارغ التحصیلان. فصلنامه آموزش عالی ایران، سال ۸، شماره ۳، ص ۲۵-۱.
- جلایی اسفندآبادی، س.ع. و جاودان، ا. (۱۳۸۹). تاثیر آزادسازی تجاری بر اشتغال بخش کشاورزی ایران. تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۲، شماره ۴، ص ۱۵۰-۱۳۵.
- خسروی پور، ب. و کیخواه، ش. (۱۳۹۲). آموزش کارآفرینی، رویکردی کارآمد در جهت اشتغال دانشجویان کشاورزی. ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۶۳، ص ۳۹-۲۶.
- زاهدی، ش. و حسن پور، ا. (۱۳۸۸). پژوهشی پیرامون عوامل فردی موثر بر قابلیت استخدام کارکنان در بخش دولتی ایران. فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۳.
- زاهدی، م. و زکی زاده، س. (۱۳۹۳). تاثیر قابلیت استخدام بر موفقیت کارراه شغلی کارکنان شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی استان قزوین. فصلنامه دیریت توسعه و تحول، ۱۷، ۷۳-۶۳.
- زلالی، ن.، خسروی پور، ب. و زارع، ع. (۱۳۹۴). تنگناها و چالش های اشتغال دانش آموزان کشاورزی از دیدگاه مدیران اجرایی. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۳۳، ص ۸۳-۷۳.
- شرفی، م. و عباسپور، ع. (۱۳۹۴). شناسایی قابلیت های اشتغال پذیری دانش آموزان دانشگاه ها براساس نظریه داده بنیاد. دوفصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی، سال سوم، شماره هفتم، ص ۴۸-۳۳.
- شفیعی، ف. و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۶). بررسی نگرش دانشجویان رشته های کشاورزی به اشتغال در بخش کشاورزی. مطالعه موردی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. انجمن جمعیت شناسی ایران، جلد ۴، شماره ۲، ص ۱۹۲-۱۷۳.
- علم بیگی، ا.، امیری، ر. و صاحبدل، س. (۱۳۹۵). نقش مهارت های اشتغال در انگیزه تحصیلی دانشجویان کشاورزی مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره). فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۳۷، ص ۶۱-۴۹.
- علی بیگی، ا. و بارانی، ش. (۱۳۹۱). بررسی صلاحیت های عمومی مورد نیاز دانش آموزان کشاورزی از دیدگاه مدیران بخش کشاورزی دولتی و مهندسان کشاورزی عضو نظام مهندسی استان کرمانشاه. فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، شماره ۱، ص ۱۱۱-۹۹.
- علی بیگی، ا.ح. و بارانی، ش. (۱۳۸۹). اشتغال پذیری رشته های کشاورزی از دیدگاه دانشجویان. تعاون، سال ۲۱، ش ۲، ص ۴۸-۲۱.
- علیزاده، ن.، صدیقی، ح.، پزشکی راد، غ. و فراستخواه، م. (۱۳۹۵). تحلیل سازوکارهای تحول آفرینی آموزشی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۸، شماره ۱، ص ۵۳-۴۳.
- موحدی، ر. (۱۳۹۶). بازدارنده های اشتغال دانش آموزان کشاورزی. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۴۱، ص ۹۵-۷۹.
- موحدی، ر.، اکبری، ر. و یعقوبی فرانی، ا. (۱۳۸۹). راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال دانش آموزان رشته های کشاورزی (مطالعه موردی دانشگاه بوعلی سینا همدان). مجله پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال سوم، شماره ۴، ص ۹۸-۸۵.
- میرک زاده، ع.ا.، خسروی، س.، شهبازی، س.، غلامی، م. و مهدی زاده، ح. (۱۳۹۵). نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی دانشگاه رازی کرمانشاه نسبت به آینده شغلی خود. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۳۸، ص ۲۹-۱۸.
- هجرتی، م. (۱۳۹۵). نگاهی گذرا بر نظام آموزش عالی کشور و برخی چالش های آن. تهران: کنگره ملی آموزش عالی ایران.
- Asonitou, S. (2015). Employability skills in higher education and the case of Greece. *Procedia*, 175, 283-290.
- Fugate, M., Kinick, J. A., & Ashforch, B. (2004). Employability psychosocial construct, its dimensions and application. *Journal OF Vocational Behavior*, 65.
- Harvey, L. (2001). Defining and measuring employability. *Quality in Higher Education*, 7(2), 97-109.
- Hillage, J., & Pollard, E. (1999). *Employability: Developing a framework for policy analysis*. London.

Holmes, L. (2013). Competing perspectives on graduate employability: Possession, position or process? *Studies in Higher Education*, 38(4), 538-554.

Sermsuk, S., Triwichitkhun, D., & Wongwanich, S. (2014). Employment conditions and essential employability skills required by employers for secondary school graduate. *Procedia*, 116, 1848-1854.

Van der Heijde, C. M., & Van der Heijden, B.I.J.M. (2006). A competence Based and multidimensional operationalization and measurement of employability. *HRM*, 45(3), 449-476.

